

## تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان (مطالعه موردی: شهر اصفهان)

عبدالحمید شمسی<sup>۱</sup>، محمد سلطان حسینی<sup>۲</sup>، میثم روحانی<sup>۳</sup>

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه اصفهان\*

۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه اصفهان

۳. هیئت علمی دانشگاه صنعتی اراک

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۱۰

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تبیین نقش عوامل جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی جوانان شهر اصفهان بود. روش پژوهش بر اساس نوع؛ کاربردی و نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه جوانان ۱۵-۲۹ ساله ساکن در شهر اصفهان بودند. تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بود و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شدند که روایی آن با استفاده از نظرات برخی از اساتید تربیت‌بدنی و جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان بررسی و تأیید شده بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که تأثیر متغیرهای خانواده، دوستان و همسالان با مشارکت ورزشی جوانان دارای رابطه معناداری می‌باشد. نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیر خانواده قویترین تأثیر را در تبیین توسعه مشارکت ورزشی جوانان داشته است. به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که توسعه مشارکت ورزشی جوانان از یک کانال خاص صورت نمی‌گیرد و عوامل مختلفی در آن تأثیر دارند.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌پذیری، مشارکت ورزشی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، جوانان شهر اصفهان

Email: hamid.2064@yahoo.com

\*نویسنده مسئول:

### مقدمه

امروزه ورزش در سلامت عمومی افراد، گذران اوقات فراغت سالم، بانشاط و لذت‌بخش، آموزش و پرورش به‌ویژه در نسل نوجوان و جوان، ایجاد روابط اجتماعی سالم در جامعه و پیشگیری از بسیاری مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی نقش مثبت خود را متجلی ساخته است (غفوری، احسانی، رحمان سرشت، کوزه چیان، ۱۳۸۲). باین‌حال در میان طیف گسترده مخاطبان، تنها عده خاصی فعالانه در فعالیت‌های ورزشی مشارکت می‌کنند و الزامات مربوط به آن را می‌پذیرند. در این رابطه جامعه‌شناسان ورزش این نکته را مطرح می‌کنند که ورزشکاران مادرزادی وجود ندارند. وقتی گفته می‌شود برخی ذاتاً ورزشکار به دنیا می‌آیند می‌تواند سبب بدفهمی شود؛ زیرا صرفاً داشتن توان بدنی برای ورزشکار شدن کافی نیست (اشنایدر و اسپرایتزر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷).

در میان عوامل مطرح در فرایند مشارکت ورزشی افراد، مباحث مربوط به جامعه‌پذیری یا اجتماعی‌شدن<sup>۲</sup> کانون توجه بسیاری از مکاتب را برای سالیان متمادی به‌خود اختصاص داده است. پژوهشگران مشارکت ورزشی را از منظر جامعه‌پذیری که با گرایش‌ها و رفتارهای افراد در ارتباط هستند تبیین کرده‌اند؛ از این رو مطالعات جامعه‌شناختی، مشارکت در ورزش و بطورکلی جهت‌گیری به سمت ورزش را به‌عنوان یک الگوی رفتاری در نظر گرفته‌اند که متأثر از عوامل مؤثر بر فرایند کلی جامعه‌پذیری می‌باشد. جامعه‌پذیری فرایند درونی کردن ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی به‌منظور سازگار شدن با جامعه یا بخشی از جامعه است. (اتمار<sup>۳</sup>، ۱۳۸۹). جامعه‌پذیری در ورزش عبارت است از عوامل و شرایطی که سبب جذب کودکان و نوجوانان به سمت ورزش و تداوم فعالیت‌های ورزشی آن‌ها در این عرصه می‌شود (اشنایدر و اسپرایتزر، ۱۹۷۸). مباحثی که با محوریت جامعه‌پذیری در حوزه ورزش مطرح می‌شوند، طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند: این‌که چگونه بعضی افراد با علاقه فراوان به انجام فعالیت‌های ورزشی یا تماشای رقابت‌های ورزشی می‌پردازند؛ اما دیگران چنین علایقی ندارند، یا چگونه عده‌ای خودشان را به‌عنوان ورزشکار می‌شناسند و وقت و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی خاص می‌کنند؛ ولی دیگران چنین زمان و هزینه‌ای را صرف نمی‌کنند. مشارکت فعال در ورزش دارای الزاماتی است که فرد باید علاوه بر توان بدنی، آن‌ها را در جامعه فراگیرد. پژوهشگران معتقدند در فرایند مشارکت ورزشی افراد، علاوه بر توانایی‌های فردی،

1. Snyder, Spreitzer

2. Socialization

3. Otmar

امکانات و دسترسی به فرصت‌ها، عوامل جامعه‌پذیری (پدر و مادر، خواهران و برادران، معلمان، همسالان، رسانه‌ها و برخی الگوها) نیز دخیل هستند (کواکلی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). با وجود تفاوت‌ها و اختلاف نظرهایی که بین پژوهشگران در مورد فرایند جامعه‌پذیری وجود دارد؛ اما این اختلاف در مورد عوامل رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، مجلات و روزنامه‌ها (کاکس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸)، خانواده (چاپمن و بلوکسهام، ۲۰۰۴؛ فردریک و جاکویلاین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ بیتس، باندا، اروین، بیگل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱)، دوستان و همسالان (پارسامهر، ۱۳۸۹)، مدرسه (ارکات و تریسی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲، کارس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹) در مشارکت افراد در ورزش وجود ندارد، بلکه در این موارد اتفاق نظر بیشتری وجود دارد. برخی از پژوهشگران نیز از اهمیت فراوان جامعه‌پذیری سخن به میان آورده‌اند و اذعان نموده‌اند که نقش و اهمیت عوامل جامعه‌پذیری، بالاتر و با اهمیت‌تر از دیگر عوامل از جمله استعداد و توسعه مهارت‌های ورزشی افراد برای شرکت در ورزش می‌باشد (بیامون<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). در این بین ویس (۱۹۸۲) در پژوهشی با عنوان "تأثیر عوامل جامعه‌پذیری بر بازیکنان زن والیبالیست دانشگاهی" که بر روی ۹۵ نفر از والیبالیست‌های زن که در سطح قهرمانی دانشگاه‌ها فعالیت داشتند انجام داد به این نتیجه رسید که مشارکت ورزشی این افراد، ریشه در دوران کودکی آن‌ها از جمله حمایت والدین، همسالان، معلمان و مربیان ورزش داشته است (ویس<sup>۸</sup>، ۱۹۸۲). همچنین در پژوهشی تحت عنوان "جامعه‌پذیری و رابطه آن با مشارکت ورزشی افراد"، پژوهشگران در نتیجه‌گیری آن این‌گونه بیان می‌کنند که افراد ورزشکار اغلب تحت تأثیر دیگران مهم هستند (کنیون و مک فرسون<sup>۹</sup>، ۱۹۷۳). در پژوهش دیگری که با عنوان "فرایند جامعه‌پذیری در زنان ورزشکار با ناتوانی‌های جسمی" که به روش مصاحبه چهره به چهره با زنانی که از اعضای تیم ملی بسکتبال با ویلچر ایالات متحده آمریکا بودند انجام گرفت، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که عوامل متعددی می‌توانند در فرایند جامعه‌پذیری این ورزشکاران دخیل باشند؛ اما در این بین همسالان این افراد یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیر کردن آن‌ها در ورزش ذکر شد و سازمان‌ها و دیگر عوامل جامعه‌پذیری به یک

- 
1. Coakly
  2. Cox
  3. Fredricks, Jacquelynne, Beets
  4. Beets; Banda; Erwin; Beighle.
  5. Erkut & Tracy
  6. Erkut, Tracy, Kurc
  7. Beamon
  8. Weiss
  9. Kenyon, Mcpherson

اندازه تأثیرگذار بودند (وارکینز و شاینو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). سانز<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر روی تعدادی از نوجوانان دوازده تا شانزده ساله اسپانیایی به منظور تعیین نقش والدین در عدم فعالیت‌های ورزشی این قشر انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که وقتی والدین فعالیت‌های ورزشی فرزندان خود را یک مانع برای ورود آن‌ها به دانشگاه می‌دانستند، این عامل مانع بزرگی برای ورزش کردن فرزندان محسوب می‌شد (سانز، والدروس و انجلس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). در پژوهشی که با عنوان "بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی" صورت گرفت، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که چهار متغیر ورزش کردن اعضای خانواده، ورزش کردن بهترین دوست، درآمد و سودمندی ورزش مهم‌ترین عوامل مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی محسوب می‌شوند (وحید، عریضی، پارسامهر، ۱۳۸۵). پارسامهر (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان "نقش عوامل جامعه‌پذیری بر مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های ورزشی با تأکید بر نقش دوستان" که بر روی ۳۱۹ نفر از دانش‌آموزان دختر شهر یزد انجام داد به این نتیجه دست یافت که میان نقش دوستان و میزان مشارکت ورزشی دختران نوجوان، همبستگی معناداری وجود دارد؛ اما نقش دوستان قادر به تبیین بخش زیادی از واریانس متغیر تحت مطالعه نیست؛ درحالی‌که سایر متغیرهای جامعه‌پذیری قادر به تبیین سهم بیشتری از واریانس متغیر تحت مطالعه بوده‌اند. در این پژوهش پیشنهاد شد سایر متغیرها نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گیرند (پارسامهر، ۱۳۸۹). همچنین در پژوهشی که با عنوان "بررسی نقش چهارگانه رسانه‌های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش همگانی" که بر روی ۶۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه ورزش و رسانه انجام گرفت، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که رسانه‌های ورزشی توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله ندارند و در برنامه‌ریزی خود زمان لازم را به ورزش همگانی اختصاص نمی‌دهند (مرادی، هنری، احمدی، ۱۳۹۰).

اگرچه در طی چند دهه گذشته مطالعاتی پیرامون مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی صورت گرفته است؛ ولی باین‌حال مطالعات ذکرشده به‌طور ویژه‌ای به بررسی تأثیر هریک از مؤلفه‌های جامعه‌پذیری در توسعه مشارکت ورزشی، به‌ویژه در حوزه جوانان نپرداخته‌اند و تلاش چندانی هم برای فراهم کردن قالبی منسجم برای متغیرهای موردبررسی صورت نگرفته است و درواقع، هنوز متغیرهای اصلی جامعه‌پذیری که روی پذیرش فعالیت‌های ورزشی افراد و به‌ویژه جوانان تأثیر می‌گذراند به‌طور کامل شناخته‌شده نیستند. تعیین چنین عواملی بر مشارکت ورزشی

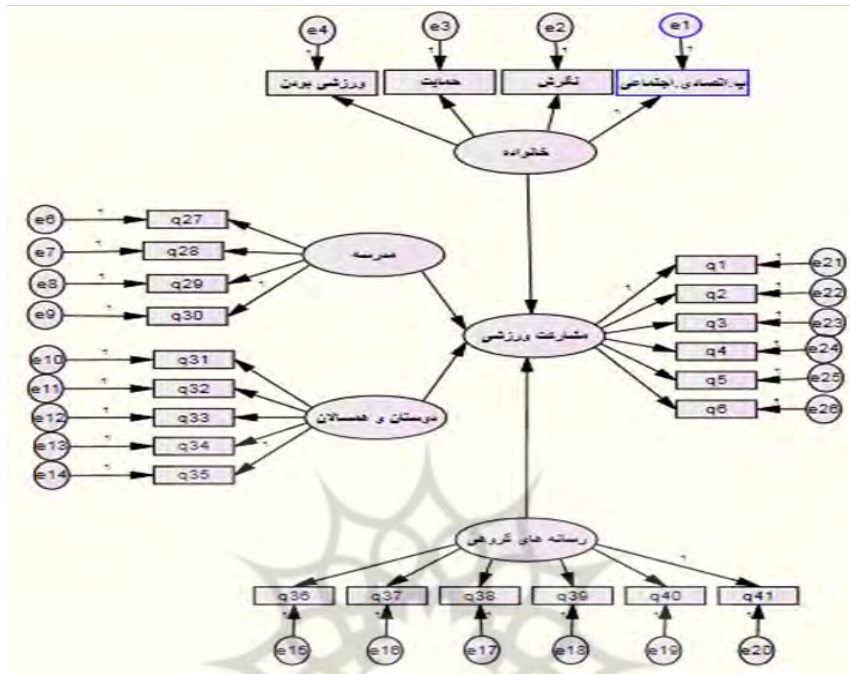
- 
1. Warkins & Shinev
  2. Sanz
  3. Valdemeros; angeles

جوانان از آن جهت حائز اهمیت است که ساز و کارهای زیربنایی را که مشارکت نوجوانان و جوانان در فعالیتهای ورزشی را تشدید می‌کنند مشخص می‌کند و به عوامل مهم اجتماعی اجازه می‌دهد که به‌طور مؤثرتری این عوامل تشدیدکننده یا به‌وجودآورنده مشارکت جوانان در ورزش را مورد هدف قرار دهند. همچنین به این مسئله نیز باید توجه داشت که جامعه‌پذیری ورزشی، فراگردی است که به‌واسطه آن فرد، دانش و آگاهی‌های لازم را به‌منظور مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی کسب می‌کند؛ لذا ایجاد هرگونه اختلال در این فرایند موجب بی‌تفاوتی نسبت به ورزش و عدم مشارکت آگاهانه افراد در فعالیتهای مختلف ورزشی، به‌خصوص در بین قشر نوجوان و جوان خواهد شد. بدیهی است که با انجام این‌گونه پژوهش‌ها و براساس یافته‌های چنین پژوهش‌هایی می‌توان با شناخت کافی نسبت به عوامل و مؤلفه‌های مهم جامعه‌پذیری تأثیرگذار بر گرایش و تمایل جوانان به مشارکت در فعالیتهای ورزشی و برنامه‌ریزی‌های لازم در زمینه ایجاد شرایط موردنیاز برای ترغیب هرچه بیشتر این قشر، به‌ویژه آن دسته از جوانانی که تمایلی به مشارکت در فعالیتهای ورزشی ندارند، را فراهم آوریم.

لذا با توجه به نقش حیاتی فعالیتهای ورزشی برای قشر جوان و نیز نقش مهم عوامل جامعه‌پذیری در مشارکت ورزشی افراد، هدف پژوهش حاضر این است که با تبیین سهم هر یک از مؤلفه‌های جامعه‌پذیری و مشخص کردن این عوامل زیربنایی، به بررسی تأثیر این عوامل در توسعه مشارکت ورزشی جوانان بپردازد.

با توجه به نظریات مطرح در ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش و همچنین پژوهش‌های صورت‌گرفته در گذشته، روابط بین متغیرهای این پژوهش در ارتباط با مؤلفه‌های جامعه‌پذیری در تبیین مشارکت ورزشی جوانان در قالب شکل زیر نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی جوانان شهر اصفهان می‌باشد که در یک سال گذشته حداقل یک ساعت در هفته در یک فعالیت ورزشی شرکت کرده بودند که با توجه به این مسئله، تعداد دقیق جامعه آماری در زمان انجام پژوهش نامعلوم بود. به همین دلیل، جهت تعیین حجم نمونه با نمونه‌گیری اولیه و تقسیم تعداد ۳۰ عدد پرسش‌نامه بین نمونه‌های پژوهش، تعداد نمونه‌ها به دست آمد. به این صورت که با توجه به حجم جامعه و انحراف معیار محاسبه شده، حجم نمونه برآورد شده از طریق فرمول زیر، ۳۹۱ نفر محاسبه گردید؛ ولی با توجه به احتمال از دست دادن برخی پرسش‌نامه‌ها در طول پژوهش و نیز جهت پوشش خطاهای احتمالی، حجم نمونه را به ۴۰۰ مورد افزایش یافت.

$$n = \frac{0.707^2 \cdot 1.96^2}{0.07^2} = 391$$

$$n = \frac{s^2 t_{\alpha/2}^2}{d^2}$$

در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز افراد جامعه، از روش نمونه‌گیری

چند مرحله‌ای استفاده شد. قابل ذکر است که این روش با توجه به محدودیت‌های مربوط به زمان و منابع مالی و مادی، روش مناسبی می‌باشد. مرحله اول: پس از تعیین حجم نمونه، تعدادی از مناطق شهرداری شهر اصفهان انتخاب شدند (نمونه‌گیری خوشه‌ای).

مرحله دوم: به نسبت جمعیت ساکن در هر منطقه و با توجه به وضعیت اقتصادی - اجتماعی هریک از این مناطق، نمونه‌ها تخصیص یافتند (نمونه‌گیری طبقه‌ای). مرحله سوم: انتخاب برخی اماکن ورزشی و پارک‌های تفریحی - ورزشی در هر منطقه (نمونه‌گیری تصادفی ساده).

مرحله چهارم: از بین جوانان حاضر در محل‌های مذکور و بعد از اطلاع یافتن از میزان فعالیت ورزشی آن‌ها، تعدادی انتخاب شده و پرسش‌نامه در اختیار آنان قرار داده شد. بدین صورت افرادی که در یک سال گذشته حداقل یک ساعت در هفته در یک فعالیت ورزشی شرکت کرده بودند، به عنوان پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسش‌نامه انتخاب شدند (هدفمند و دردسترس).

در پژوهش حاضر به دلیل دردسترس نبودن پرسش‌نامه استاندارد، پژوهشگران با توجه به موضوع پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته ۴۳ گویه‌ای را با اقتباس از پرسش‌نامه پارسامهر (۱۳۸۹) طراحی نمودند. بدیهی است که پشتوانه علمی برای طراحی این ابزار، مطالعه گسترده در رابطه با کلیات و مبانی نظری پژوهش حاضر و پژوهش‌های انجام شده می‌باشد. جهت اطمینان از روایی صوری پرسش‌نامه، از نظر جمعی از اساتید تربیت‌بدنی و جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (۹ نفر) استفاده شد. در این پژوهش سعی شده است تا تمامی ابعاد موجود در مفهوم جامعه‌پذیری به نحوی عملیاتی و سنجیده شود و از این طریق اعتبار محتوایی پرسش‌نامه افزایش یابد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ که برای سؤالات چندمقیاسی کاربرد دارد، استفاده شد. میانگین ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده تمامی متغیرهای پژوهش بالاتر از مقدار ۰/۷۰ بود که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه است. از آمار توصیفی برای استخراج جداول فراوانی و از آماره‌های استنباطی نیز برای بررسی نتایج فرضیه‌ها استفاده گردید. بر این اساس، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار مدل‌سازی ای‌موس<sup>۱۸</sup> برای بررسی نتایج پژوهش استفاده شد.

## نتایج

نتایج نمودارهای ۲، ۳ و ۴ نشان می‌دهند که در این پژوهش، توزیع پاسخگویان برحسب جنس تقریباً برابر بوده است (حدود ۴۹٪ مرد و ۵۱٪ زن). بیشترین فراوانی پاسخگویان (حدود ۴۰٪) در گروه سنی ۱۵-۲۰ سال بود و به‌طور کلی، حدود ۷۶٪ از پاسخگویان بین ۱۵ تا ۲۵ سال سن داشتند. همچنین بیشترین فراوانی نمونه‌های پژوهش حاضر (حدود ۳۵٪) متعلق به گروهی بوده است که در سطح تفریحی و همگانی به فعالیت در ورزش می‌پرداختند و کمترین فراوانی افراد (حدود ۱۸٪) مربوط به گروهی بود که اعلام کرده بودند در سطوح حرفه‌ای در ورزش مشارکت دارند.



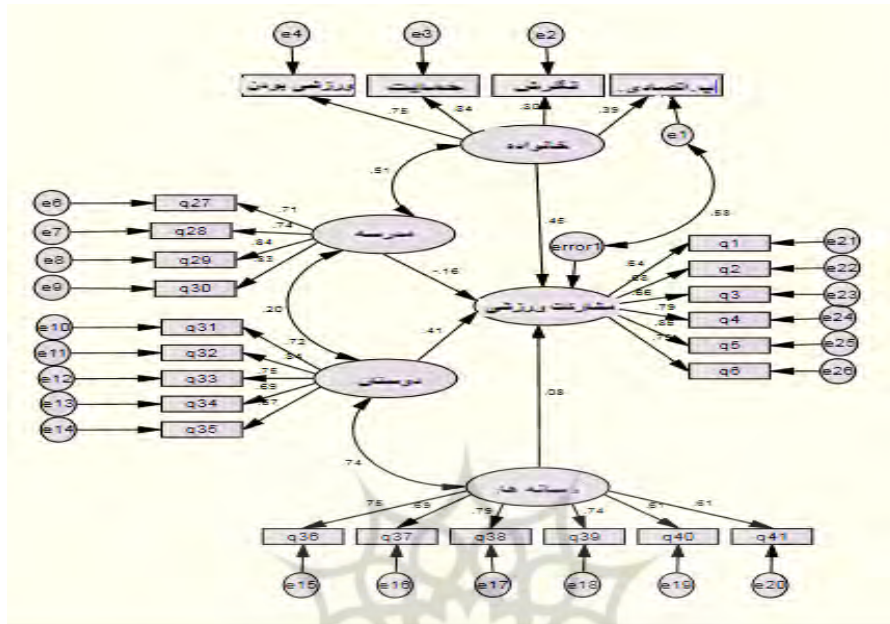
شکل ۴: نمودار دایره‌ای متغیر وضعیت سطوح مشارکت. شکل ۳: نمودار دایره‌ای متغیر سن در نمونه. شکل ۲: نمودار دایره‌ای متغیر جنسیت در نمونه.

شکل ۲، ۳ و ۴- فراوانی و درصد فراوانی نمونه‌ها به تفکیک جنسیت، سن و سطوح مشارکت در ورزش

در مدل‌سازی معادلات ساختاری بین دو نوع متغیر پنهان<sup>۱</sup> و آشکار<sup>۲</sup> تمایز وجود دارد. متغیر پنهان متغیری است که از چند متغیر دیگر به‌وجود می‌آید (قاسمی، ۱۳۸۹). بنا بر مدل مفهومی، در این پژوهش متغیرهای مشاهده‌پذیر همان گویه‌های پرسش‌نامه می‌باشند. در واقع، پرسش اصلی این است که آیا متغیرهای مشاهده‌پذیر (گویه‌های پرسش‌نامه) می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند؟ بدین منظور برای تست فرضیه‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. شکل ۴ مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Latent variable
2. Observed variabl





شکل ۵- الگوی معادلات ساختاری

جدول ۱- وضعیت شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱- شاخص‌های برازش مدل مفهومی پژوهش

مقدار	شاخص
۲۹۵/۷۶	(CMIN) کای اسکور
۱/۷۷	(CMIN/DF) کای اسکور بهنجار
۰/۰۰	(P) سطح معناداری
۰/۹۴	(GFI) شاخص نیکویی برازش
۰/۹۰	(AGFI) شاخص نیکویی برازش اصلاح شده
۰/۰۵	(RMR) ریشه میانگین مربعات باقی مانده
۰/۹۷	(CFI) شاخص برازش تطبیقی
۰/۹۶	IFI شاخص برازش افزایشی
۰/۰۴	(RMSEA) ریشه میانگین مربعات خطای برآورد

نتایج خروجی آموس در بخش تخمین استاندارد مدل نشان می‌دهد که مدل نهایی معادلات ساختاری مدل مناسبی است. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد<sup>۱</sup> مدل برابر با ۰/۰۴ می‌باشد. این مقدار در صورتی که بیشتر از ۰/۱۰ باشد، مدل نامناسب تشخیص داده می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹). با توجه به این که مقدار این خطا در مدل ۰/۰۴ به دست آمده است، برازش مدل مناسب می‌باشد. همچنین، مقدار شاخص نیکویی برازش<sup>۲</sup> (GFI) و مقدار شاخص نیکویی برازش اصلاح شده<sup>۳</sup> (AGFI) برابر و بالای ۰/۹۰ می‌باشد. دو شاخص برازش افزایشی<sup>۴</sup> (IFI) و شاخص برازش تطبیقی<sup>۵</sup> (CFI) نیز هر دو بالای ۰/۹۰ می‌باشند. در نهایت، مقدار ریشه میانگین مربعات باقی مانده<sup>۶</sup> (RMR) نزدیک به صفر می‌باشد و در کل، برازش مدل وضعیت مناسبی را نشان می‌دهد.

در مرحله بعد به منظور بررسی روابط بین متغیرهای مکنون موجود در مدل تحلیل مسیر تخمین مدل به صورت استاندارد بررسی شد. محاسبه اعداد معناداری نشان می‌دهد روابط علی خانواده، دوستان و همسالان بر مشارکت ورزشی جوانان معنادار شده است. ضرایب مسیر در مدل تحلیل فوق نشان دهنده این است که از میان چهار متغیر ابعاد خانواده، مدارس، دوستان و همسالان ورزشکار و رسانه‌های جمعی در پیش‌بینی مشارکت ورزشی جوانان، متغیر خانواده اهمیت بیشتری دارد؛ به این دلیل که متغیر خانواده، بزرگترین ضریب رگرسیونی (۰/۴۵) را نسبت به دیگر متغیرها به دست آورده است. همچنین متغیر وجود همسالان و دوستان ورزشکار با مقدار (۰/۴۱) پس از متغیر خانواده بیشترین تأثیر را روی میزان مشارکت ورزشی جوانان داشته‌اند (جدول ۲).

جدول ۲- ضرایب علی به دست آمده از مدل تحلیل مسیر

شماره فرضیه	فرضیه	ضریب رگرسیونی	مقدار بحرانی	P	نتیجه		
۱	خانواده	←	مشارکت ورزشی	۰/۴۵	۶/۶۳۳	۰/۰۰۰	تایید
۲	مدارس	←	مشارکت ورزشی	-۰/۱۶	-۱/۸۶۰	۰/۰۹۲	رده
۳	دوستان و همسالان	←	مشارکت ورزشی	۰/۴۱	۴/۶۹۹	۰/۰۰۰	تایید
۴	رسانه‌های جمعی	←	مشارکت ورزشی	۰/۰۸۳	۱/۰۷۲	۰/۲۸۴	رده

1. Rot Mean Square Of approximation
2. Goodness of Fit Index
3. Adjusted goodness of fit index
4. Incremental fit index
5. Comparative fit index
6. Root mean square residual

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی تأثیر عوامل جامعه‌پذیری (خانواده، مدارس، دوستان و همسالان و رسانه‌های جمعی) بر توسعه مشارکت ورزشی جوانان انجام شد که به‌صورت مطالعه موردی بر روی جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر اصفهان صورت گرفت.

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که خانواده‌ها به روش‌های متفاوتی بر میزان مشارکت ورزشی جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر اصفهان تأثیر به‌سزایی دارند. پژوهش‌های گذشته نیز نشان داده‌اند که اعضای خانواده در حالت‌های متفاوت و روش‌های مختلف می‌توانند بر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی تأثیرگذار باشند (کنیون و مک فرسون، ۱۹۷۳، ویس، ۱۹۸۲؛ فردریک و جاکیولاین، ۲۰۰۵؛ سانز و دیگران، ۲۰۱۲؛ وحید، عریضی، پارسامهر، ۱۳۸۵، پارسامهر، ۱۳۸۹). درحقیقت این پژوهشگران نیز در یافته‌های خود به‌نوعی به اهمیت نقش هریک از ابعاد موردبررسی در موضوع خانواده در توسعه مشارکت ورزشی افراد اشاره کرده‌بودند. پژوهش‌های متفاوت نیز نشان می‌دهند به احتمال فراوان، فرزندان والدینی که تحرک جسمی کمتری دارند نسبت به فرزندان والدینی که تحرک جسمی بیشتری دارند در فعالیت‌های ورزشی غیرفعال هستند (سینگ<sup>۱</sup>، کانگن<sup>۲</sup>، سیاهپوش<sup>۳</sup>، وان دیک<sup>۴</sup>؛ ۲۰۰۸). در این پژوهش نیز می‌توان این‌گونه بیان کرد که نمونه‌های پژوهش حاضر از اعضای خانواده خود در امر مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تقلید کرده‌اند و از آن‌ها به‌عنوان الگویی در مشارکت ورزشی خود نام برده‌اند. همچنین در این پژوهش نتایج نشان داد فرزندان خانواده‌ای که نگرش مثبتی نسبت به ورزش و فعالیت‌های ورزشی و فواید آن دارند به همان نسبت مشارکت بیشتری در فعالیت‌های ورزشی داشته‌اند. نکته قابل‌تأمل در یافته‌های این پژوهش، عدم تأثیر معنادار مدارس در توسعه مشارکت ورزشی جوانان بود. این موضوع به بررسی‌های دقیق‌تری نیاز دارد؛ زیرا این نتیجه با یافته‌های ارکات و تریسی (۲۰۰۲) و پارسامهر (۱۳۸۹) همسو نمی‌باشد. با توجه به اهمیت مدرسه در دنیای امروز و هزینه‌های گزافی که برای دولت و خانواده‌ها دارد، نتایج این پژوهش با توجه به دیدگاه افراد تحت‌بررسی قابل‌تأمل است. در پژوهش حاضر به ندرت جوانان از مدرسه و معلمان خود به‌عنوان نافذترین اشخاص در افزایش میزان مشارکت فعالیت ورزشی خود نام برده‌اند. در تمام دوران، آموزش و پرورش انسان‌ها از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان بوده

- 
1. Sing
  2. Kogan
  3. Siahpush
  4. Van Dick

است، چه از زمانی که مختص امرای اشرافی و طبقات بالای اجتماعی بوده و چه اکنون که برخوردار از تحصیلات رسمی و مدرسه‌ای یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و بدیهی است (علاقه‌بند، ۱۳۷۰). با اندکی دقت در این نتیجه به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود برخی اندیشه‌ها در مورد نقش مدرسه در جهت‌گیری ورزشی افراد جامعه، گویی مدارس و نظام‌های آموزشی رسمی فقط به برخی از این رسالت‌ها توجه کرده‌اند و به دیگر موارد از جمله جامعه‌پذیر کردن جوانان و نوجوانان در فعالیت‌های مختلف ورزشی توجه چندانی نداشته‌اند. در واقع افرادی از مدارس و معلمان خود به‌عنوان عاملی اثرگذار در مشارکت خود در فعالیت‌های ورزشی نام نمی‌برند که به‌عنوان محصولات مدرسه وارد جامعه شده‌اند و سال‌های زیادی از زندگی خود را در این نهاد اجتماعی گران‌قیمت سپری کرده‌اند؛ اما چرا مدرسه و به‌طورکل نظام آموزش و پرورش می‌تواند به‌عنوان یک رکن و بنیاد در نظام تعلیم و تربیت عمل کند در مرتبه پایین‌تری از اهمیت در جامعه‌پذیر کردن افراد در ورزش و فعالیت‌های ورزشی قرارداد؟ پاسخ این پرسش را باید در نحوه عملکرد و محتوای آموزشی مدارس جستجو کرد که تا چه اندازه به این رسالت توجه کرده و برای تحقق آن تلاش نموده‌اند. ضعف نظام آموزشی ما در بخش تربیت‌بدنی و ورزش که هیچ برنامه عملی لازم را در خصوص اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و معرفی مزایای فعالیت‌های ورزشی و شناسایی انواع فعالیت‌های ورزشی در دوره آموزش عمومی افراد در دستور کار خود ندارد نیز می‌تواند دلیل این نتیجه باشد. علاوه‌براین در بسیاری از اوقات، مدارس هدف‌های آموزش و پرورش را با دقت مطالعه نمی‌کنند و نمی‌توانند به درک مشترکی از این اهداف برسند. مهم‌ترین علت این مشکل را باید در فقدان فلسفه‌مکتوب و مستند در نظام آموزش و پرورش ایران در بخش ورزش و تربیت‌بدنی جستجو نمود. فلسفه آموزش و پرورش باید با جهت‌دهی به تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی، نقش و وظیفه خود را که همانا جامعه‌پذیر کردن افراد در فعالیت‌های ورزشی است به مدارس برگرداند تا جامعه بتواند از این دستاورد استفاده کرده و در نهایت، به توسعه پایدار در بخش ورزش کشور منجر شود. با توجه به این نتیجه به نظر می‌رسد مدارس نیازمند بازنگری جدی در رسالت‌های خود به‌خصوص در امر تربیت‌بدنی و ورزش هستند تا هم به رسالت‌های اصلی خود بپردازند و هم انتظارات مخاطبان خود را برطرف سازند. مدارس کشور ما در شرایط کنونی نه قادر هستند بر محور مبانی نظری مدرسه حرکت کنند و نه تقاضای مشتریان خود را برآورده کنند، گویی رفتن به مدرسه عادت سنتی است که همانند سربازی باید آن را گذراند، بی‌آن‌که از آن توقع خاصی داشت. این نقطه برای نظام پرورش رسمی، سمی مهلک است که بدون هیاهو ریشه‌های آن را خواهد سوزاند. همچنین با توجه به نتایج این پژوهش، جوانانی که حضور بیشتری از

دوستان و همسالان ورزشکار را در زندگی خود گزارش داده بودند، از میزان مشارکتی بالا در ورزش و فعالیت‌های ورزشی برخوردار بودند؛ بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در میان جوانان جامعه آماری پژوهش، حمایت و وجود دوستان و همسالان ورزشی بر میزان توسعه فعالیت‌های ورزشی جوانان تأثیر معناداری دارد (پارسامهر، ۱۳۸۹)؛ لذا بعد از ابعاد مربوط به خانواده، نتایج پژوهش گویای تأثیر نقش بالای دوستان و همسالان بر افزایش میزان مشارکت ورزشی افراد می‌باشد که براین اساس، بیشتر جوانان جامعه آماری پژوهش تحت نفوذ و حمایت دوستان و همسالان هم‌جنس خود در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کردند. با نزدیک شدن به دوره نوجوانی و دور شدن از دوره کودکی و تسلط خانواده، تأثیر خانواده کم‌رنگ شده و تأثیر گروه همسالان افزایش می‌یابد. دوستان خاص و بعضی بزرگسالان بانفوذ خارج از خانواده، نقش مهمی در روند اجتماعی شدن نوجوانان و جوانان بازی می‌کنند. تأثیر این افراد حتی گاهی تأثیر خانواده را نیز تحت شعاع خود قرار می‌دهد. این پژوهش نیز اطلاعات ارزشمندی را برای ارزیابی نقش دوستان و سایر عوامل جامعه‌پذیری در اختیار ما قرار می‌دهد. چنان‌که با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان اذعان نمود که برای افزایش میزان مشارکت افراد در سنین نوجوانی و جوانی در فعالیت‌های ورزشی می‌توان از نقش دوستان به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم در کنار سایر متغیرهای اجتماعی و فردی سود جست. با توجه به این نتیجه می‌توان این‌گونه بیان نمود که همسالان می‌توانند مشارکت ورزشی افراد که از محیط خانواده آغاز شده‌است را تقویت کنند و آن را گسترش دهند. دیگر نتیجه قابل تأمل این پژوهش این بود که رسانه‌های جمعی نتوانسته بودند در توسعه و افزایش میزان مشارکت ورزشی جوانان تأثیر معناداری بگذارند. این نتیجه با برخی از نتایج پژوهش‌های قبلی که به‌نوعی نقش رسانه‌ها را مورد توجه قرار داده بودند همخوانی ندارد (غفوری و دیگران (۱۳۸۲)؛ کاکس (۱۹۹۸)؛ مرادی، هنری، احمدی (۱۳۹۰)). البته در این مورد نباید این مسئله را نادیده گرفت که در دو پژوهش اخیر انجام گرفته در ایران نیز نقش مثبت اما ضعیف رسانه‌ها گزارش شده بود. به‌نظر می‌رسد دلیل مهمی که می‌توان در این پژوهش برای همسوی نبودن این نتیجه نسبت به پژوهش‌های گذشته متصور شد این مسئله باشد که در پژوهش‌های گذشته که درباره نقش رسانه‌ها در توسعه ورزش انجام گرفته است، جامعه آماری پاسخگو، کارشناسان ورزشی و کارشناسان صدا و سیما بوده‌اند؛ در حالی که در پژوهش حاضر پاسخگویان و نمونه‌های مورد مطالعه، مخاطبان اصلی رسانه‌های گروهی یعنی جوانان بوده‌اند و به‌صورت مستقیم در این باره از آن‌ها پرسش شده‌است و پاسخگو بوده‌اند. همچنین دلیل دیگر این موضوع می‌تواند وجود پاسخگویان زن در پژوهش حاضر باشد. از این نظر که رسانه‌های جمعی در ابعاد مختلف توجه کمتری به مقوله ورزش بانوان دارند و

احتمالاً این رسانه‌ها نتوانسته‌اند در رسالت خود مبنی بر اشاعه و توسعه ورزش بانوان به‌خوبی عمل کنند. با توجه به این نتیجه به نظر می‌رسد هنوز در این مسئله که رسانه‌های جمعی به اندازه کافی در جهت اشاعه ورزش و ترویج فرهنگ مشارکت در ورزش تأثیر مثبت داشته باشند یا نه جای تردید وجود دارد و به همان اندازه که رسانه‌های جمعی بر افزایش آگاهی مردم نسبت به ورزش و فعالیت‌های ورزشی تأثیر مثبت می‌گذارند، احتمالاً در تغییر رفتار افراد و گرایش آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی موفق نبوده‌اند. دلیل دیگر این نتیجه می‌تواند نپرداختن رسانه‌های ورزشی به موضوعات مختلف ورزشی مورد درخواست و علاقه نوجوانان و جوانان باشد. این درحالی است که رسانه‌های جمعی و به‌ویژه تلویزیون و رسانه‌های مکتوب از جمله روزنامه‌ها و مجلات ورزشی، اکثراً به چند رشته ورزشی خاص از جمله فوتبال می‌پردازند. همچنین تأمل در نتایج حاصل از این متغیر، ما را متوجه این مسئله می‌سازد که رسانه‌های جمعی هرچند بر روی تغییر نگرش افراد نسبت به مزایای ورزش و فعالیت‌های ورزشی می‌توانند تأثیرگذار باشند؛ اما از کارکردهای لازم به‌منظور نهادینه‌سازی، تغییر رفتار افراد و گرایش آن‌ها به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برخوردار نیستند. امروزه رسانه‌های جمعی به منبع غالب شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی در جوامع تبدیل شده‌اند و این ادعا که دنیای ما در محاصره واقعیت‌های رسانه‌ای قرار دارد، بی‌شک ادعای قابل‌بحثی می‌تواند باشد. رسانه‌ها مسئول بخش اعظمی از مشاهدات و تجربه‌هایی هستند که ما از طریق آن‌ها درک خود را نسبت به جهان پیرامون و نحوه عملکرد آن سامان می‌بخشیم. درواقع بخش عمده‌ای از نگرش ما به دنیا، ریشه در پیام‌های رسانه‌ای دارد که از پیش ساخته شده‌اند. آن‌ها به لحاظ دارا بودن دامنه نفوذ وسیع، اثر مستقیمی بر ارزش‌ها و هنجاری‌های جامعه دارند و می‌توانند در تغییر آگاهی‌ها و نگرش‌های جامعه نقش به‌سزایی ایفا کنند؛ اما این درحالی است که با توجه به نتیجه پژوهش حاضر، رسانه‌های جمعی به اشاعه باورهای مطلوب و ترویج یا بازتولید ارزش‌های متناسب به امر توسعه ورزش در جامعه آن‌طور که باید و شاید نپرداخته‌اند و ازسویی آن‌ها اثرگذاری لازم را به‌منظور شکل‌گیری قوانین و مقررات محرک و مشوق ورزش و اشاعه آن در جامعه دارا نیستند و این درحالی است که امروزه نقش رسانه‌ها در جامعه‌پذیری اولیه کودکان و جامعه‌پذیری درازمدت بزرگسالان به‌طور گسترده موردقبول قرار گرفته است. هرچند به عقیده مک‌کوال<sup>۱</sup> (۱۳۸۵) هنوز اثبات ماهوی موضوع، تقریباً غیرممکن است؛ زیرا هر تأثیری از سوی رسانه‌ها بی‌درنگ با سایر تأثیرات ناشی از محیط اجتماعی و خانواده درهم می‌آمیزد. باوجوداین، برخی فرضیات اساسی درباره اثرات بالقوه رسانه‌ها در سیاست‌های کنترل

1. Mack Kval

رسانه‌ها، تصمیم‌گیری‌های خود رسانه، هنجارها و انتظارات والدین در رابطه با استفاده افراد از رسانه‌ها متجلی می‌شوند. باین‌حال لوسین پای<sup>۱</sup> تأکید می‌کند که رسانه‌های جمعی، مناسب‌ترین روش موجود برای جامعه‌پذیری است (مک کوایل، ۱۳۸۵).

روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که جامعه‌پذیری، فرایندی پایان‌ناپذیر است که در تمام دوران زندگی فرد ادامه دارد و در هر برهه‌ای از زندگی فرد این جامعه‌پذیری مورد دخل و تصرف قرار گرفته، در مواردی تثبیت شده و گاهی تغییر می‌یابد؛ اما دوران نوجوانی و جوانی فرد مهم‌ترین دوره شکل‌گیری برخی رفتارها از جمله رفتار ورزشی فرد است که در این دوران پایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین با توجه به موارد ذکرشده، این دوران بایستی مورد عنایت بیشتری قرار بگیرد. همچنین نیاز است که هماهنگی و تعادل متناسبی میان این نهادها (خانواده، دوستان و همسالان، مدارس و رسانه‌های جمعی) برقرار گردد؛ زیرا نظم در جامعه حاصل ارتباط و هماهنگی این نهادها با همدیگر است. درغیراین‌صورت چنانچه اطلاعات ارائه‌شده به نوجوانان و جوانان و جامعه‌پذیرکردن آن‌ها در توسعه ورزش در راستای هم نباشد یا حتی در تناقض با یکدیگر باشند، حالت دوگانگی در نوجوانان و جوانان ایجاد کرده و زمینه‌های بی‌اعتنایی و بی‌توجهی آنان را نسبت به مشارکت فعال در ورزش فراهم می‌کند.

قبل از انجام این پژوهش و با توجه به نتایج گذشته که در ارتباط با موضوع پژوهش به دست آمده بود تصور بر این بود که در جامعه مورد مطالعه، هر یک از عوامل جامعه‌پذیری (مدرسه، خانواده، رسانه‌های جمعی و دوستان) به یک اندازه نقش پر رنگی در مشارکت ورزشی جوانان داشته باشند. اما نتایج تحقیق گویای این فرضیه نبود و نتیجه‌گیری نهایی نشان داد که مشارکت ورزشی جوانان شهر اصفهان صرفاً از این چند کانال خاص صورت نمی‌گیرد و عوامل مختلفی در آن تأثیر می‌گذارند.

همچنین نتیجه مهمی که در این پژوهش بدست آمد و قبل از انجام تحقیق تا حدی غیر قابل تصور بود این بود که برخلاف بیشتر جوامع پیشرفته که مدارس و رسانه‌های گروهی نقشی مهم و کلیدی در مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی دارند؛ اما در جامعه مورد بررسی ما کم‌ترین و ضعیف‌ترین نقش را در این مورد داشته‌اند.

در پایان با توجه به این‌که بررسی فوق دارای محدودیت سنی (جوانان) و مکانی (شهر اصفهان) بوده است پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی، دامنه سنی و مکانی وسیع‌تری را انتخاب نمایند تا تأثیر سایر متغیرهای اثرگذار بر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی در میان سنین مختلف و مکان‌های گوناگون نیز مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار گیرد.

## تشکر و قدردانی

افراد زیادی این پژوهش را مورد حمایت همه جانبه خود قرار داده‌اند. ما از همکاری بی‌شائبه تمامی دوستانمان و همچنین جوانان ورزشکار شهر اصفهان نهایت تشکر را داریم. همچنین، نهایت سپاس خود را از اساتید مدیریت ورزشی دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه اصفهان اعلام می‌داریم؛ چراکه اجرای این پژوهش بدون حمایت این بزرگواران امکان‌پذیر نبود.

## منابع

۱. اتمار، ویس. (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی ورزش. مترجم: راسخ ک. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۲. پارسامهر، مهربان. (۱۳۸۹). نقش عوامل جامعه‌پذیری بر مشارکت دختران در فعالیت‌های ورزشی با تأکید بر نقش دوستان. فصل‌نامه تعلیم و تربیت. ۲۶ (۴): ۱۵۶-۱۳۹.
۳. علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مفاهیم و مباحث کلی. تهران: چاپ اول، انتشارات کتاب‌خانه فروردین.
۵. غفوری، فرزاد؛ احسانی، محمد؛ رحمان‌سرشت، حسین؛ کوزه‌چیان، هاشم. (۱۳۸۲). مطالعه و بررسی نگرش متخصصان تربیت‌بدنی به نقش رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون و نشریات) در گرایش مردم به ورزش قهرمانی و همگانی. نشریه حرکت. ۱۶ (۱۶): ۵۷.
۷. قاسمی، وحید. (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Grapgics Amos. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۸. مرادی، مهدی؛ هنری، حبیب؛ احمدی، عبدالحمید. (۱۳۹۰). بررسی نقش چهارگانه رسانه‌های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش همگانی. نشریه مدیریت ورزشی. ۳ (۹): ۱۶۷.
۹. مک کوایل د. ۱۳۸۵. نظریه ارتباطات جمعی. مترجم: اجلالی پ. چاپ دوم. تهران: دفتر مطالعات و توسعه سازمان‌ها.
۱۰. وحید، فریدون؛ عریضی، فروغ؛ پارسامهر، مهربان. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی زنان استان مازندران). نشریه علوم حرکتی و ورزش. ۴ (۷): ۶۲-۵۳.
11. Beamo, K. (2010). Are sports overemphasized in the socialization process of African American males? A qualitative analysis of former collegiate athletes' perception of sport socialization. *Journal of Black Studies* November. 41 (2): 281-300.
12. Beets, W; Banda, A, Heather E; Beighle, A. (2011). A pictorial view of the physical activity socialization of young adolescents outside of school. *Research*



- Quarterly for Exercise and Sport. 82(4) : 769-778.
13. Chapman A, Bloxham S. (2004). Improving student achievement in a multidisciplinary context. *Learning and Teaching in the Social Sciences*. 1(3): 181-188.
  14. Coakly J .(2010) *Sports in Society: Issues and Controversies* Paperback – November 13.
  15. Cox R H. (1998). Sport psychology, concepts and applications. *Learning and Teaching in the Social Sciences*. 1(3): 181-188.
  16. Erkut S, Tracy A J. (2002). Predicting adolescent self-esteem from participation in school sports among Latino subgroups. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*. 24(4): 409-429.
  17. Fredricks J A, Jacquelynne S, ccles E. (2005). Family socialization, gender, and sport motivation and involvement. *Journal of Sport & Exercise Psychology*. 27(1): 3-31.
  18. Kenyon G S, Mcpherson B D. (1973). Becoming involved in physical activity and sport: A process of socialization. In *Physical Activity: Human Growth and Development*, ed. G.L. Rarick. New York: Academic Press.
  19. Kurc AR, Leatherdale S T. (2009). The effect of social support and school- and community-based sports on youth physical activity. *Canadian Journal of Public Health Revue Canadienne De Sante Publique*. 100(1): 60-64.
  20. Sanz-A,-E; Valdemeros A; angeles M. (2012). Parental predictors of physical inactivity in Spanish adolescents. *Journal of Sports Science & Medicine*. 11 (1): 95.
  21. Singh G K, Kogan M D, Siahpush M, Van Dick P C. (2008). Independent and joint effects of socioeconomic, behavioral, and neighborhood characteristics on physical inactivity and activity levels among US children and adolescents. *Journal of Community Health*. 33(4): 206-216.
  22. S, Eldon E, Spreitzer, Elmer A. (1978). *Social aspects of sport*. The University of California: Prentice-Hall.
  23. Warkins J, Shinew K J. (2006). The socialization process for women with disabilities: The impact of agents on the introduction to an elite sport. *Journal of Leisure Research*. 38(3). 421-444.
  24. W, Annelies Knoppers. (1982). the influence of socializing agents on female collegiate volleyball players. *JSEP*. 4(3). 267- 279



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**Determination of the Role of Socialization Factors in the  
Development of Sports Participation Youths  
(Case Study: Isfahan City)**

**Abdol Hamid Shamsi<sup>1</sup>, Mohammad Soltan Hosseini<sup>2</sup>, Meisam Rohani<sup>3</sup>**

1. MSc Student, University of Isfahan
2. Associate Professor, University of Isfahan
3. Assistant Professor, Arak University

**Received Date: 29/10/2012**

**Accepted Date: 30/04/2013**

---

**Abstract**

Purpose of the present study was to Determination of the Role of Socialization Factors in the Development of Sports Participation of Isfahan City's Youths. Method of the study was based on the purpose of the research and the data were collected in a naturally applied manner; the study was a Descriptive -explanatory one. Participants included all the Isfahan City's youths with 15 through 29 years of age 400 of whom were selected for the sample mass. A multi-stage sampling method was used and data were collected through the researcher-designed questionnaire the validity of which had been examined and approved of by some of lectures of physical education and sociology at the University of Isfahan. The results showed a significant relationship between the variables family, friends, peers the youths' sports participation. The results of structural equations model analysis indicated that the variable family most effect on specifying the development of the youths' sports activities. The conclusion could be put this way: the development of youths' sports activity is not made via a certain channel rather different factors are involved.

**Keywords:** socialization, sports participation, structural equations modeling, youths in Isfahan City

---

\*(Corresponding Author)

Email: hamid.2064@yahoo.com